

یادداشت روز

جشنواره فیلم فجر با بخش ویژه کامل تر می شود؟



سیدمحمد سلیمانی

همواره در زمان برگزاری جشنواره فیلم فجر این سوال مطرح می شود که فیلم‌های نمایش داده شده در جشنواره که به طور معمول از بین بیش از یکصد فیلم ارائه شده انتخاب می شوند تا چه حد گویای اوضاع و احوال حاکم بر سینمای ایران در طول یک سال است و تا چه اندازه می تواند ملاک قضاوت نسبی درباره تولیدات سالانه سینمای ایران باشد. و اصلاً آیا جشنواره فیلم فجر برگزار می شود تا صرفاً آینه تمام نمای سینمای ایران در کار کرد و پتیرینی اش باشد یا فقط قرار است نمایش منتخبی از آثار ارائه شده با نظر چند کارشناس به عنوان هیات انتخاب با کار کرد حضور در رقابتی سینمایی باشد؛ رقابتی که البته قرار است در پایان با برگزیدگان سمت و سوی مشخصی هم به سینمای ایران بدهد.

بر اساس تعداد فیلم‌هایی که برای نمایش در جشنواره انتخاب می شوند، به سادگی می توان دریافت که قرار نیست جشنواره فیلم فجر به عنوان یک فستیوال سینمایی همه وجوه سینمای ایران را بازتاب بدهد و اگر چنین توقعی از آن داشته باشیم، گام در بی راهه نهاده ایم. بنابراین بهتر است در بررسی اوضاع و احوال جشنواره از چاشنی واقع نگری هم استفاده کنیم تا زودتر و بهتر به نتیجه برسیم.

جشنواره فیلم فجر قرار نیست و پتیرینی برای همه بضاعت سینمای ایران باشد. نه امکانش را دارد و نه از ابتدا قرار بوده که چنین کار کردی داشته باشد. با یک فستیوال سینمایی رقابتی مواجه هستیم که از هیات انتخاب انتظار می رود با توجه به قدمت بیش از چهار دهه ای جشنواره، در انتخاب بهترین آثار ارائه شده به آن سنگ تمام بگذارند و شاهد نمایش آثار سطحی و ضعیف در آن نباشیم.

حالا دیگر مخاطب جشنواره به درجه ای از آگاهی و شناخت رسیده است که در هیچ شرایطی تحمل تماشای آثار ضعیف و غیر استاندارد را با توجه به تعداد فیلم‌هایی ارائه شده به هیات انتخاب ندارد به همین دلیل هم وقتی در برخی سال‌ها شاهد نمایش فیلم‌های غیر استاندارد و سطحی در آن بوده ایم، این شائبه به وجود آمده که باید حتماً آثاری مهم و دیدنی به دلایل مختلف از جشنواره کنار گذاشته شده و جایبان را به آثاری سفارش شده و فاقد ارزش‌های حضور در یک مسابقه سینمایی داده باشند. بارها توصیه شد که برای برطرف کردن شائبه‌ها، بخش ویژه و خارج از مسابقه به مرور آثار سینمای ایران اختصاص یابد و آثاری که به دلایل اغلب آیین‌نامه‌ای و غیره به رغم ارزش‌هایشان از گردونه رقابت بیرون گذاشته شده‌اند به نمایش در آیند. در دوره‌هایی از جشنواره هم این بخش در کنار بخش اصلی پیش بینی و با استقبال هم روبرو شد ولی متأسفانه به دلایل اعلام نشده، این بخش در سال‌های اخیر حذف شد تا اینکه امسال با تدبیر برگزار کنندگان جشنواره چهل و سوم و در پاسخ به مطالبه‌های قدیمی، بخش ویژه به نمایش فیلم‌های در خور تاملی که به هر دلیلی از شرکت در جشنواره بازمانده بودند اختصاص یابد. این بخش جدید در همان شب اول هم نتیجه داد و نمایش فیلم «رگ‌های آبی» ساخته جهانگیر کوثری باعث شد که مخاطبان رسانه‌ای جشنواره و به ویژه منتقدان در یابند که این فیلم به چه دلیل در بخش‌های رقابتی جشنواره پذیرفته نشده است. البته ممکن است در بین فیلم‌های بخش ویژه جشنواره که در شب‌های آینده به نمایش می آیند، شاهد آثار ارزشمندی هم باشیم که به دلایل آیین‌نامه‌ای یا حتی سلیقه‌ای از گردونه رقابت بیرون گذاشته شده باشند. ولی به هر روی بخش ویژه جشنواره به مخاطبان کمک می کند تا تصویر روشن‌تری از تولیدات یک سال سینمای ایران داشته باشد و اگر هم در باره برخی فیلم‌های انتخاب شده حرف و حدیثی هست، این آثار در معرض نگاه و قضاوت منتقدان قرار گیرد.

جشنواره فیلم فجر با بخش ویژه‌اش می تواند کامل تر و قابل دفاع تر از همیشه باشد.

نگاهی به فیلم سینمایی آنتیک

آنتیک گلوگیر

که لول و سطح فیلم آنچه انتظارش را دارد نیست و از پس سلیقه خوب تماشاگر جدی جهت همراهی مشتاقانه بر نمی آید.

تلاش پژمان جمشیدی و بیژن بنفشه‌خوا در جهت مچ شدن با هم به عنوان زوج کم‌دین خیلی موفق نیست و با اینکه در خیلی جاها بازی تیپیکال خوب و روانی دارند اما به دل‌با و طنزهای دست پیدا نمی کنند. دغدغه گیشه اولویت بسیاری از فیلمسازان و بخصوص کم‌دین‌سازان این روزهای سینمای ایران است. پایین آوردن سطح سلیقه تماشاگر از سویی و کلیشه‌بفروشی در استفاده از عناصر جذاب این روزهای سینما، سبب شده تا هر دو سوی سازنده و مخاطب به کم‌دینی مبتنی بر شوخی‌های دم‌دستی تن بدهند.

استفاده از کم‌دینی بفروشی، موقعیت طنزگون با قید زمانی قبل از انقلاب و بداهه پردازی جهت تطویل و رسیدن به زمان لازم فیلم، شده است دستورالعمل اولیه تهیه یک کم‌دینی تماشاگر پسند.

«آنتیک» از همان سکانس آغازین شما را دعوت می کند تا با کنار گذاشتن منطق روایی و چرایی شکل‌گیری ماجرا، وارد دنیای فیلم شده و مشتبه شدن آن با سنگ قبر شخص مذهبی و با طرح موضوع کشف امامزاده، در مضمون فیلم ایده و شوخی تازه‌ای مطرح شود که در خور توجه است. البته در سال‌های اخیر با دیدن کم‌دینی‌های خوش فروش راحت ساخت، باید قلق همراهی با اینگونه فیلم‌ها دستمان آمده باشد که مطابق توقع فیلمساز خیلی راحت بخندیم.

اما اگر راحت پسند و سختگیر نباشید، قطعاً با موقعیت‌های کمیک فیلم همراه می شوید و کاراکترهای اصلی شما را سرگرم خود می سازند. شوخی‌ها، تیکه‌های کلامی و موقعیت‌های طنز، در بخش دوم فیلم آنقدر هست که خنده لازم را بر لبان شما بنشانند.

در انتها اشاره کنم، با قبول سطح شوخی و طنز موقعیت به تماشای فیلم بنشینید و تا حد مقدور نپرسید چرا؟ چگونه؟ و چطور؟ فقط از دیدن فیلم لذت ببرید تا «آنتیک» گلوگیرتان نشود.

«همزمان با انقلاب و آزادی زندانی‌ها، ابی خلافتکار با کمک ولی برادرش از زندان بیرون می آید. زمانی که متوجه می شود دختری که دوستش داشته از دواج کرده است به امید پولداری، به سرقت لوح قدیمی می روند و در ادامه با کشاندن لوح به قبرستان روستا، صحبت از کشف امامزاده می شود...»

هر ژانر سینما اصول و قواعد کاری خود را دارد. سینمای کم‌دینی هم از این قاعده مستثنی نیست. اما این سال‌ها خیلی پیش آمده که یک فیلم شما را دچار تردید و بلاتکلیفی کند و از خود بی‌سید اساساً لزوم ساخت چنین فیلم‌هایی از کجا نشأت می گیرد. فیلمنامه بزنبو که خود دارد تبدیل به قاعده تولید این دسته آثار می شود، سود بالا و نبود نظارت کیفی ضمن تضمین گیشه به صرف حضور بازیگری خاص، موجب شده تا در سال‌های اخیر نمونه‌های زیادی از ایندسته تولیدات را شاهد باشیم.

«آنتیک» کم‌دینی راحت‌انگار است که ظاهر او روی سلیقه مخاطب سال‌های اخیر بیشترین حساب را باز کرده است که با هر طنزی لبش به خنده باز می شود. فیلم وامدار کم‌دینی‌های موفق پیش از خود است و فیلمساز با نگاهی به آنها از لحن و شوخی و کاراکتر و موقعیت‌های موفقشان وام گرفته است. شروع فیلم و روند اتفاقات نه چندان منطقی و موقعیت‌های سست، با دم‌دست‌ترین شوخی‌ها به شما اعلام می کند



یادداشتی بر فیلم سینمایی «بچه مردم»

تلفیق هوشمندانه رئالیسم و فانتزی

محمدعرفان صدیقیان

نقد فیلم

گاه موضوعات و سوژه‌هایی ساده به بستری مهم و اثرگذار برای ارائه طرح‌های دراماتیک تبدیل می شوند. در نتیجه نیاز نیست حتماً پیچیدگی‌های روایی و ترفندهای عجیب و غریب در شیوه اجرا و کارگردانی اثر پرکار باشد تا یک فیلم به نتیجه‌ای مطلوب ختم شود. به خصوص در سینمای ایران که بسیاری از فیلمسازان جوان به قصد مرعوب کردن مخاطبان خود دنبال رو این روش هستند. بنابراین «بچه مردم» نمونه‌ای شاخص و قابل بررسی است که نیاز است تا الگوهای مختلف به کار گرفته شده در تبدیل طرح به فیلمنامه و همچنین نوع اجرای نهایی آن مورد بررسی دقیق قرار بگیرند. سوژه اولیه این مستند موضوعی انسانی را بازتاب می دهد که در ذات خود دارای قدرت اثرگذاری بسیاری بر روی مخاطب است. فیلمساز اما به همین موضوع اکتفا نکرده و روایت خود را با چاشنی تخیل، فانتزی و نوعی روند فکاهی همراه کرده است.

محمود کریمی کارگردان «بچه مردم» پیش از این سابقه‌ای طولانی در مستندسازی داشته و بیش از هر چیز به واسطه ساخت مستندهای جذاب و خلاقانه برنامه «خندوانه» شناخته می شود. نخستین ساخته سینمایی او اثری قوام یافته است و در عین بی‌پیرایگی، به واسطه المان‌های مختلف روایی، متنی و تصویری شکلی برجسته و نمودی چشمگیر پیدا کرده است.

«بچه مردم» به کودکانی می پردازد که بنا به دلایل مختلف از نعمت وجود پدر و مادر محروم بوده و دوران رشد و نمو خود را در پرورشگاه طی می کنند. تا اینکه وجود اتفاقی باعث می شود تعدادی از آن‌ها با خروج از این محل، به دنبال کار گشته و به شکل مستقل به زندگی خود ادامه دهند. ایده اصلی این فیلم در ذات خود حاوی نوعی رویکرد تراژیک است و کریمی با هوشمندی تمام، عنصر فانتزی و تخیل را به فضای تلخ و رئالیستی اثر پیوند زده و فضایی تلطیف شده و صمیمی به وجود آورده است. ساخت فضای فانتزی در بستری رئالیستی توانمندی ویژه‌ای را می طلبد و به آسانی امکان پذیر نیست. محمود کریمی جزئیات بسیاری را به کار گرفته تا درامی غنی از روایت پردازی موجز و در عین حال مطول را خلق کند. به علاوه فیلم در نیمه پایانی با تغییر در لحن و اتمسفر همراه است و به یکباره فضای کم‌دینی اثر، بدون آنکه ویژگی‌های خلاقانه و فانتزی‌اش را از دست دهد، وارد نوعی احساس گرایی توأم با منطق می شود. به گونه‌ای که علاوه بر اثرگذاری بر مخاطب، به دلیل ایجاد زمینه‌های ملودرام گونه، مواردی را در زیر متن اثر بازتاب می دهد که حاوی نوعی رویکرد استعاری است. به عنوان نمونه جست‌وجو برای یافتن عشق و عاطفه مادری، مفهومی بسط، عام و متعالی پیدا کرده و در قالب عشق به خاک و میهن متجلی می شود.

نکته مهم دیگر آنکه این تغییر لحن، بر خلاف بسیاری از آثار دیگر به نحوی مناسب و بدون آنکه بیننده متوجه شود، به اجرا درآمده و این موضوع باعث می شود تا مخاطب بتواند احساس‌های مختلف و متنوعی را در حین دیدن این فیلم تجربه کند.

با وجود آنکه «بچه مردم» از حضور بازیگران مشهور و توانمندی همچون گوهر خیراندیش، رضا کیانیان، بهروز شعبانی، حسن معجونی و سیامک صفری بهره برده است، اما ستاره‌های اصلی آن بازیگران نوجوان آن هستند که با هدایت کارگردان توانسته‌اند مخاطب را تا انتها درگیر قصه و فضای فیلم نگه دارند.

